**فهرست مطالب**

[خطبه اول 1](#_Toc425788126)

[نیاز انسان به عبادت خداوند 2](#_Toc425788127)

[نظم الهی در آفرینش 3](#_Toc425788128)

[هدف از عبادت و اهتمام نماز خواندن: 3](#_Toc425788129)

[اهمیت نماز از نظر قرآن 5](#_Toc425788130)

[خطبه دوم 6](#_Toc425788131)

[خطبه 188 نهج‌البلاغه: 6](#_Toc425788132)

[مهم‌ترین تحولات کشور ایران 7](#_Toc425788133)

[کودتای 28 مرداد 8](#_Toc425788134)

[تحلیل کودتا، از زوایای گوناگون 9](#_Toc425788135)

# خطبه اول

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئات اعمالنا و نصلّی و نسلّم سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الارضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرةفاطمة الزهراء (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و بعلی بن محمد والحسن بن علی والخلفة القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة البلاد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیع العلیمن من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مناجبة نهیه و تجهّزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزّودوا انّ خیر الزاد التقوی.**

# نیاز انسان به عبادت خداوند

یکی از نیازهای ثابت در وجود و روح انسان، نیایش و پرستش خداوند است. این نیاز، مانند سایر نیازهایی که در وجود انسان قرار دارد، باید پاسخ داده شود. عبادت پاسخی به نیاز روح و روان انسان است. دین، پیامبران، کتاب‌های آسمانی و اولیای الهی بر عبادت خدا فراخوانده‌اند، پاسخی به نیاز روح انسان است. ذات و وجود انسان نیازمندند تعلق و پرستش خداوند متعال است. پرستش اساساً و قطع‌نظر از هر فایده و اثری که داشته باشد، خودش یکی از نیازهای روحی بشر است. انجام ندادن آن، در روح بشر ایجاد عدم تعادل می‌کند.

**مثال:** انسان نیاز به غذا دارد، اما کاری برای او پیش‌آمده که از گرسنگی غافل شده و متوجه نیست. و اگر این غفلت کنار برود، نیاز به گرسنگی را درک می‌کند.

بنابراین نیازهای انسان گاهی اوقات موردتوجه است که در آن موقع، متوجه نیاز خود می‌شود. اما در خیلی از مواقع، انسان نیاز به چیزی دارد، اما مانعی باعث غفلت و پوشش آن نیاز شده است.

انسان‌ها باید توجه داشته باشند که زندگی روزمره و کشش‌های شهوانی و جسمانی باعث غفلت آن‌ها از عبادت خداوند که نیاز روح و روان انسانی است،‌ نشود.

اگر کسی بدنش به چیزی برای بقای او لازم است نیاز داشته باشد، اما احساس به آن نیاز را نکند، بدن آسیب‌های جدی می‌بیند. بالعکس همین‌طور است که اگر اشتها وجود داشته باشد ولی نیاز بدن نباشد، مانند انسان‌های پرخوری که اشتهای فراوان دارند. در اینجا نیز سازمان بدن مختل می‌شود. یکی از زیبایی‌های خلقت پروردگار در سازمان و ارگانیزم حیوانات، تناسب اشتها با نیاز واقعی است. این تناسب اگر یک‌طرف دچار اختلال بشود، تمام دستگاه، کالبد فرومی‌ریزد.

# نظم الهی در آفرینش

خداوند عالم را آفرید و پدیده‌ها را به وجود آورد، و تمام این‌ها را مانند یک ساعت دقیق، نظم داد و بین آن‌ها تناسب و ارتباط صحیح برقرار کرد.

قرآن به تأمل به مظاهر خلقت خدا و شناخت این آیات عظیم تناسب و نظم پدیده‌های عالم بزرگ الهی دعوت می‌کند. ادیان الهی، پیامبران که خاتم آن‌ها پیامبر (ص) است، این‌ها آمدند که انسان‌ها را متوجه نیازهایشان کنند و مانع این شوند که غفلت انسان را از نیاز بازدارد. نیاز به پرستش و نیایش با خداوند، نیازی است که در عمق وجود و فطرت پاک هر انسانی قرار دارد.

عبادت همان‌طور که در سوره شعرا آمده است، اولین فریادهای پیامبران در این سوره نشان می‌دهد که: «ان **اعبدوا ربکم**»[[2]](#footnote-2) بندگان، خدا را عبادت کنید. میلی در انسان است که باید با میل پرستش خدا آن را پاسخ بدهند. توصیه همه انبیاء، عبادت خدا است. تنظیم اشتها و میل با آن نیاز واقعی از چهره‌های بدیع نظم خداوند است.

در عالم معنویت، حجاب‌ها فراوان است، موانع راه و آسیب‌های فراوانی وجود دارد که نیاز به آمدن انبیاء بوده که دائم انسان‌ها را دعوت به ایجاد میل می‌کردند. این نکته بسیار مهمی که تمام انسان‌ها باید به آن توجه کنند و نسبت به عبادت و پرستش در خود ایجاد میل و انگیزه کنند. این نیاز در قالب نماز جلوه‌گر شده است و باید با میل به آن پاسخ داده شود.

اساس نماز، شوق در وجود انسان است. درجایی که شوق و انگیزه و اشتها، میل ربانی نیست، نماز به یک عادت تبدیل می‌شود. تا زمانی که شوق و انگیزه نماز در انسان هست، آن موقع نماز، پرستش است.

# هدف از عبادت و اهتمام نمازخواندن:

هـدف از عـبـادت، رشـد و تـکـامـل انـسـان اسـت، زیـرا خـدا کـمـال مـطـلق اسـت و انـسـان بـرای رسیدن به کمال باید خود را به او نزدیک کند و راه تقرب انسان به خدای متعال، عبودیت و بندگی است. اثر بندگی رفع تیرگیهای درونی از صفحه دل و نـورانـی شـدن آن بـه انـوار مـلکـوت و آمـادگـی جـان انسان برای پذیرش تجلیات حق و تابش نور عشق الهی است.

بـسـیـاری از نمازخوانان، نماز می‌خوانند، ولی نمی‌دانند، برای چه نماز می‌گذارند و درنتیجه از هدف اصلی آن غافل‌اند، ازاین‌رو، سودی نمی‌برند و این عبادت در روح آنان اثری نگذاشته و یا اثری نامحسوس و غیرقابل توجه گذاشته است؛ زیرا (همچون کلاغی که منقار بـر زمـیـن می‌کوبد)، بـه نـمـاز پرداخته و با غفلت به پایان می‌رسانند. چنین نمازی بازدارنده از گـنـاهان نیست. باآنکه قرآن نماز را بازدارنده از فحشاء و منکر شمرده است معلوم می‌شود نمازش در حقیقت نماز نبوده، بلکه صورتی از نماز بوده است. بـرای تـوجـه بـه هـدف اصـلی اقامه نماز، برخی از علمای بزرگ اسلام، کتاب‌هایی پیرامون اسـرار این عبادت و آداب قلبی و معنوی آن نگاشته‌اند که مطالعه دقیق و به کار بستن آن‌ها بر همه سالکان طریق الهی، به‌ویژه جوانان عزیز، امری ضروری و لازم است.

اهـتـمام به نماز اقتضا می‌کند، انتظار وقت نماز را داشته باشیم مانند کسی که وعده ملاقات با یـک شـخـصـیـت مـهـم گـذارده، بـه خـاطـر وفـا بـه ایـن وعـده، لحظه‌شماری می‌کند. هـیـچ قـول و قـرار دیـگـری را کـه بـا ایـن وعـده مـنافات دارد، نمی‌پذیرد، حتی اگر قرار قبلی با دیـگـران گذارده است با عذرخواهی آن را لغو می‌کند. برای این ملاقات، خود را آماده می‌سازد، لبـاس خـود را مـرتّب می‌کند، آنچه می‌خواهد بگوید در ذهن مرور می‌کند. بنابراین باید چنین حالتی در نمازگزار باشد که با نزدیک شدن وقت نماز در چهره و رفتار او این انتظار مشاهده شود، برخیزد، وضو بگیرد، مقدمات دیگر نماز را فراهم سازد. اهـتـمـام بـه نـمـاز اقـتـضـا می‌کند، انـسـان نـمـاز را به‌طور صـحـیـح و کـامـل بـیـامـوزد و بـه فـراگـیـری مسائل نـمـاز اهـتـمـام داشـتـه بـاشـد هرگز نـمـاز را از اوّل وقت تأخیر نیندازد، مگر در شرایط اضطراری که طبعاً عذر تأخیر پذیرفته است.

اهـتـمـام بـه نـمـاز بـه تـوجـه قـلبـی درحـال نـمـاز و خـشـوع در حال عبادت است. چنانکه قرآن کریم، در وصف مؤمنان رستگار می‌فرماید: (**اَلَّذینَ هُمْ فی صَلوتِهِمْ خاشِعُونَ**)[[3]](#footnote-3)

آنان (کسانی هستند که) در نمازشان خشوع می‌ورزند. نمازگزار بـایـد کـاری کـنـد کـه در حال نماز فکر و ذهن او متوجه عبادت و معبود باشد. بدین مـنـظـور درجـایـی نـمـاز بـخـوانـد کـه مـایـه پـریـشـانـی حـواس نـشـود. در حال نـمـاز باحالت آرام و بدون حـرکـت زایـد بـدن بـاشـد، در حال قیام به محل سجده نگاه کند. در حال رکوع به پهلوی پای راست بنگرد، از نمازخواندن درجـایـی کـه در بـرابـر آب، درب گـشـاده، نـقـاشـی، خـطـاطـی، گل و گیاه و چیزهایی است که موجب پریشانی حواس می‌شود، خودداری ورزد. نقـطـه مـقابل اهتمام به نماز، سبک شمردن نماز است.

وقتی درباره امیرالمؤمنین (ع) می‌شنویم که شب‌ها 1000 رکعت نماز می‌خواندند و چه تحولاتی در ایشان ایجاد می‌گشت، این‌ها چیز عجیبی نیست، این شوق از لذّت ایشان است.

انسانی که در مسائل مادی غرق‌شده، برایش هیچ مفهومی ندارد که انسانی بدون مزد کاری را انجام بدهد. ولی این ضعف اوست که نمی‌داند برای آن آدم، همین کار بالاترین لذت را دارد و اگر بداند، به حال خودش حسرت می‌خورد.

# اهمیت نماز ازنظر قرآن

نماز، ظواهرش ممکن است در ادیان الهی تفاوت‌هایی داشته باشد، اما حقیقت و چهارچوب‌های کلی نماز به‌عنوان مهم‌ترین عبادت خدا در همه ادیان الهی بوده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «**رَبَّنَا إِنِّی أَسْکنْتُ مِنْ ذُرِّیتِی بِوَادٍ غَیرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیتِک الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِیقِیمُوا الصَّلَاةَ**»[[4]](#footnote-4) پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب‌وعلفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.

آیه دیگر: «**وَإِذْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَائِیلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَینِ إِحْسَانًا وَذِی الْقُرْبَی وَالْیتَامَی وَالْمَسَاکینِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ**»[[5]](#footnote-5) و (به یادآورید) زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید.

آیه دیگر: «**وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً یهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَینَا إِلَیهِمْ فِعْلَ الْخَیرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِیتَاءَ الزَّکاةِ»[[6]](#footnote-6)**

و آنان را پیشوایانی قراردادیم که به‌فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می‌کردند.

در مورد حضرت موسی، زکریا و.. آمده: «**فَنَادَتْهُ الْمَلَائِکةُ وَهُوَ قَائِمٌ یصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ**»[[7]](#footnote-7) و هنگامی‌که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند.

این آیات و بعضی از آیات دیگر نشان می‌دهد که سنّت و حقیقت نماز به عنوان بهترین وسیله برای ارتباط با خدا و ایجاد ارتباط با مبدأ عالم، می‌باشد. در اسلام همان سنّت، به مراتب بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که قرّة‌العین رسول خدا شده است.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.[[8]](#footnote-8)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا الله**[[9]](#footnote-9) **ثمّ الصلاه والسلام علی سیدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الارضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهراء (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و بعلی بن محمد والحسن بن علی والخلفة القائم المنتظر (عج) اهل‌بیت نبوّة و موضع الرسالة و مختلفة الملائکة و معدن العلم صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیع العلیمن من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ[[10]](#footnote-10).**

# خطبه 188 نهج‌البلاغه:

**أُوصِیکمْ أَیهَا اَلنَّاسُ بِتَقْوَی اَللَّهِ وَ کثْرَةِ حَمْدِهِ عَلَی آلاَئِهِ إِلَیکمْ وَ نَعْمَائِهِ عَلَیکمْ وَ بَلاَئِهِ لَدَیکمْ فَکمْ خَصَّکمْ بِنِعْمَةٍ وَ تَدَارَککمْ بِرَحْمَةٍ أَعْوَرْتُمْ لَهُ فَسَتَرَکمْ وَ تَعَرَّضْتُمْ لِأَخْذِهِ فَأَمْهَلَکمْ الموت وَ أُوصِیکمْ بِذِکرِ اَلْمَوْتِ وَ إِقْلاَلِ اَلْغَفْلَةِ عَنْهُ وَ کیفَ غَفْلَتُکمْ عَمَّا لَیسَ یغْفِلُکمْ وَ طَمَعُکمْ فِیمَنْ لَیسَ یمْهِلُکمْ فَکفَی وَاعِظاً بِمَوْتَی عَاینْتُمُوهُمْ حُمِلُوا إِلَی قُبُورِهِمْ غَیرَ رَاکبینَ وَ أُنْزِلُوا فی‌ها غَیرَ نَازِلِینَ فَکأَنَّهُمْ لَمْ یکونُوا لِلدُّنْیا عُمَّاراً وَ کأَنَّ اَلْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَاراً أَوْحَشُوا مَا کانُوا یوطِنُونَ وَ أَوْطَنُوا مَا کانُوا یوحِشُونَ وَ اِشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا وَ أَضَاعُوا مَا إِلَیهِ اِنْتَقَلُوا لاَ عَنْ قَبِیحٍ یسْتَطِیعُونَ اِنْتِقَالاً وَ لاَ فِی حَسَنٍ یسْتَطِیعُونَ اِزْدِیاداً أَنِسُوا بِالدُّنْیا فَغَرَّتْهُمْ وَ وَثِقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ سرعة النفاد فَسَابِقُوا رَحِمَکمُ اَللَّهُ إِلَی مَنَازِلِکمُ اَلَّتِی أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا وَ اَلَّتِی رَغِبْتُمْ فی‌ها وَ دُعِیتُمْ إِلَیهَا وَ اِسْتَتِمُّوا نِعَمَ اَللَّهِ عَلَیکمْ بِالصَّبْرِ عَلَی طَاعَتِهِ وَ اَلْمُجَانَبَةِ لِمَعْصِیتِهِ فَإِنَّ غَداً مِنَ اَلْیوْمِ قَرِیبٌ مَا أَسْرَعَ اَلسَّاعَاتِ فِی اَلْیوْمِ وَ أَسْرَعَ اَلْأَیامَ فِی اَلشَّهْرِ وَ أَسْرَعَ اَلشُّهُورَ فِی اَلسَّنَةِ وَ أَسْرَعَ اَلسِّنِینَ فِی اَلْعُمُرِ.**

ای مردم، شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم و نیز به سپاس بسیار به پاس آن چه شما را بخشیده است و نعمت‌هایی که ارزانی‌تان داشته است، و هم به پاس بلاهایی که درگیرتان کرده است. بسا نعمت‌هایی که شما را ارزانی داشت، و رحمت‌هایی که فراهمتان ساخت، بسا که زشتی‌هایتان را آشکار کردید و او بر آن‌ها سرپوش نهاد، و به عمد خود را در چنگ کیفرش افکندید و او به شما مهلت داد. اینک شمارا توصیه‌ام این است که مرگ را فریاد آرید و از میزان غفلتتان بکاهید. آخر چه گونه از چیزی غفلت می‌کنید که هرگز از شما غافل نشود، و کسی را امید دارید که هیچ مهلتتان ندهد؟ اندرزگویانتان همین مردگان بس که بی‌آنکه سواری گیرند، بر دوش دیگران به‌سوی گورها برده شوند و بی‌آنکه آهنگ فرود کنند، در گورها فرودشان آورند. چنان‌که گویی هرگز از آباد کنندگان دنیا نبوده‌اند و آخرت پیوسته سرایشان بوده است. ازآنچه پیش‌تر وطن پنداشته بودند، رمیدند و در خانه‌ای جا خوش کردند که همواره از آن در هراس بودند، عمری درگیر سرایی شدند که با مرگش وانهادند و جایگاهی را که بدان منتقل شدند، پیشاپیش به تباهی کشاندند و اینک نه دیگر توان جابه‌جایی از زشتی‌ها رادارند و نه می‌توانند که به نیکی‌ها چیزی بیفزایند.  
با دنیا انس گرفتند، پس فریبشان داد و بدان اعتماد کردند، پس به بستر مرگشان نشاند.

پس شما که امید است مشمول رحمت خدا باشید بیایید و از سرنوشت آنان عبرت بگیرید.

# مهم‌ترین تحولات کشور ایران

مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی، در حدود یک قرن اخیر، قضیه تنباکو، مشروعیت و نهضت ملی نفت و از همه مهم‌تر انقلاب اسلامی اشاره‌کنیم. بسیاری از شورش‌ها، نهضت‌ها و مقاومت‌ها در گوشه و کنار کشور ایران در یک قرن گذشته بوده است که مهم‌ترین آن‌ها همین چهار مورد است.

نهضت تنباکو که مسبوق به حرکت‌های بزرگ و عظیم سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. و یکی از نمودهای آن عالم بزرگ مرحوم جمال‌الدین بود که با فتوای مرجع عظیم‌الشأن عالم اسلام اتفاق افتاد.

مشروطه: از تحولات بزرگی بود که با شرایط کشورهای دیگر نیز ارتباط داشت.

نهضت ملّی نفت: این نهضت با کودتای 28 مرداد، اوضاع برگشت و به شکل دیگر درآمد.

انقلاب اسلامی: این انقلاب به بنیادهای جامعه پرداخت و یک تحوّل بنیادی و عظیمی به خاطر آن رخ داد.

# کودتای 28 مرداد

قضیه ملی شدن نفت، چیزی بود که یک گروه نتوانست در کشور آن را تحقق ببخشد. گروه‌ها و اقشار مختلف در نهضت نفت حضور داشتند، امّا بانفوذ و سرپرستی یک روحانی آگاه و سیاست‌مدار به نام آیت‌الله کاشانی بود. ایشان در مبارزه با انگلیس، آزاد شدن عراق و تحولات مهم خاورمیانه شخصیتی شناخته‌شده بود. آیت‌الله کاشانی و «جبهه ملی» به رهبری دکتر مصدق در مجلس شورا و مطبوعات و اجتماعات مردمی، خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند و این خواسته مورد حمایت گروه‌های کثیر مردم و تنی چند از علمای برجسته نظیر آیت‌الله‌العظمی خوانساری (از مراجع ثلاث قم)، آیت‌الله بهاءالدین محلاتی، آیت‌الله عباسعلی شاهرودی و...‌ جامعه را بیدار و آگاه کردند و در برابر استعمار و استبداد مقاومت نشان دادند. با حضور آیت‌الله کاشانی نهضت ملی شدن نفت تحقق پیدا کرد و انگلیس شکست خورد و دولت مصدّق با پشتیبانی آیت‌الله کاشانی شکل گرفت و باعث فراری شدن شاه از کشور شد.

وقتی به‌روزهای قبل 28 مرداد دقت شود، مشاهده می‌شود که در دوره‌ای با پشتیبانی مرحوم آیت‌الله کاشانی و با وحدتی که بر جامعه و انگیزه‌ای که بر جوانان حاکم بود، در کشور ایران نفت ملی شد و طرح انگلیس با شکست مواجه شد و دست‌نشاندگان آن‌ها در برابر یک دولت ملّی و پشتوانه عظیمی که از دین و روحانیت همراه بود، احساس عجز و ناتوانی کردند و باکمال خفّت شاه از کشور فرار کرد. همین‌که دولت بر سرکار آمد، اختلافات اوج گرفت و فاصله‌ها زیاد شد، و فکر کردند که با آن اختلافات می‌توانند به صورتی روی پای خودشان بایستند، درصورتی‌که دشمنان در کمینگاه نشسته بودند تا زمینه‌ای را ببینند و به کشور هجوم بیاورند.

# تحلیل کودتا، از زوایای گوناگون

تحلیل زمینه‌های وقوع کودتا و ارزیابی نقش و میزان تأثیر برخی اشخاص و جریان‌ها در این واقعه، از دیدگاه‌های متفاوت صورت پذیرفته است و معمولاً با جانب‌داری از یک جناح و مطلق‌انگاری مواضع و عملکرد آن تلاش می‌شود تا همه تقصیرها متوجه جناح دیگر شود. برخی با نگاه مصدق محوری همه اشتباهات و خیانت‌ها را به‌پای آیت‌الله کاشانی و جداشدگان جبهه ملی گذارده و کسانی نیز با نگاه کاشانی محوری، از ابتدا ماهیت، نقش و عملکرد دکتر مصدق و هم‌فکران وی را زیر سؤال برده و آنان را مسئول زمینه‌سازی و موفقیت کودتا برمی‌شمارند. البته در هر دو نگاه، انگلیس و امریکا طراح و برنده ماجرا برشمرده می‌شوند و مقصران را نیز در اردوگاه آنان قرار می‌دهند. بدیهی است که تحلیل یک‌سونگرانه و افراطی آنان که وقایع و اشخاص را سیاه‌وسفید ترسیم می‌کنند و با اغماض، از قصورها و تقصیرهای بارز و آشکار جناح مطلوب خویش عبور می‌کنند، نمی‌تواند بیانگر همه ابعاد واقعه باشد، و باب مناقشات و اختلافات را با حدّت و شدّت بیشتری باز می‌گذارد. به‌ویژه آنکه اهداف و اغراض سیاسی و مسلکی و حزبی باقیمانده از دوران نهضت ملی در نسبت با شرایط روز، کماکان با تعصب و حرارت احیاشده و تداوم‌یافته‌اند.

اختلاف‌های فراوان سیاسی و غفلت کشنده‌ای که بر سیاست‌مداران حاکم شده بود و غافل بودند که دشمنان در کمین نشسته‌اند و مجموعه این عوامل دست‌به‌دست هم داد که در خلأ قدرت، آمریکایی‌ها حرکتی را انجام دادند وعده‌ای را اجیر کردند که در تهران ریختند و از طرفی مردم دین‌دار، انگیزه نداشتند و مسیر را درست نمی‌دیدند و با این اختلافات دشمن موفّق شد که شاه را دوباره برگرداندند و اوضاع بدتر از قبل شد.

امروز نیز همین عوامل می‌تواند کشور ایران را به ضعف و شکست بکشاند. بودن جناح‌های مختلف و بحث و گفتگوی آن‌ها کار منفی نیست، بلکه انسان احساس می‌کند که محورهای وحدت رو به شکسته شدن است. وقتی‌که محورهای وحدت شکسته بشود و جناح‌ها به‌قصد کشت به جان هم بیفتند و به هیچ نحو ملاحظه یکدیگر را نکنند و در این میان مردم نیز احساس بی‌انگیزه‌ای و بی‌تفاوتی کنند، نتیجه همین کودتای 28 مرداد و حکومت تاریک پهلوی شد، آن‌هم امروز وجود دارد.

هنگامی‌که انسجام کلی وجود داشته باشد و محورهای وحدت و اساس‌های دینی و ارزش‌های متعالی حفظ شود و به قواعد اخلاقی و آداب سیاسی و اجتماعی احترام گذاشته شود، در این صورت می‌توان کشور را حفظ کرد.

امروز در اخبار افشاشده کاخ سفید و سیا مشاهده می‌شود که حتی آن‌ها عربستان که مزدور خودشان بود و مسلمانان را به خاطر دشمنی با آمریکا به خاک و خون می‌کشیدند را زیر ذرّه بین قراردادند و در بعضی از اسناد ذکرشده که آن‌ها را نیز جزء محور شرارت قرار داده‌اند. این نشان می‌دهد که بحث خیلی وسیع‌تر از این است که یک‌گوشه ایران است. ایران سنبل و نماد یک اسلام‌خواهی و آزاد طلبی در دنیا بود که امروزه نیز همین‌طور است.

1. . آل‌عمران 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آیه 38. سوره شعرا. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مؤمنون آیه 2. [↑](#footnote-ref-3)
4. . ابراهیم آیه 37. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بقره 83. [↑](#footnote-ref-5)
6. . انبیاء 73. [↑](#footnote-ref-6)
7. . آل‌عمران 39. [↑](#footnote-ref-7)
8. . والعصر. [↑](#footnote-ref-8)
9. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-9)
10. . توبه 119. [↑](#footnote-ref-10)